

پذیرفتن و بکار بستن آنها از شما طلب میکنیم .

این ده نکته تدابیر مهمی است برای نجات میهن و راهی است بسوی پیروزی در جنگ مقاومت . اکنون که دشمن بر شدت تهاجم خود علیه چین افزوده و وان جین وی خائن هار شده است ، نمیتوانیم در یاره آنچه که موجب نگرانی میگردد سکوت اختیار کنیم . چنانچه این پیشنهادات پذیرفته شوند و بموقع اجرا در آیند ، جنگ مقاومت و امر آزادی ملی چین از آن فایده بسیار خواهد برد . ما نظریات خود را که برای آنها فوریت بسیار قائلیم ابراز داشتیم و اکنون در انتظار عقیده شما هستیم .

یادداشتها

۱ - سی ما جائو نخست وزیر امپراطوری وی (۲۲۰ - ۲۶۵) بود . او در نهان این خیال را در سر می پرورانید که بر تخت شاهی جلوس کند و این قصدش بر همه معلوم گردید و بدین ترتیب امپراطور وی هنگامیکه با مأموران مورد اعتماد خود درباره تاکتیک برای مقابله مشورت میکرد ، بآنها گفت : " قصد سی ما جائو بر هر مرد کوچه و بازار روشن است " . بعدها این عبارت را معمولا در توصیف کسانی بکار می برند که توطئه می چینند و قصدشان دیگر برملا شده است . - مترجم

۲ - جوسین ولا زون چن دولتیان بیرحم معروفی در عهد سلسله سلطنت اوزه تیان از دودمان تان (اواخر قرن ۷ میلادی) بودند . آنها يك شبکه جاسوسی وسیعی تشکیل داده خودسرانه اتهامات بی پایه گوناگونی به مردمی که مورد پسندشان نبودند ، نثار میکردند ، آنها را توقیف مینمودند ، تحت همه گونه شکنجه قرار میدادند و بیرحمانه میکشتند .

۳ - لیو جین خواجه امپراطور او زون (قرن ۱۶ میلادی) از دودمان مین بود ؛ وی جون سیان خواجه امپراطور سی زون (قرن ۱۷ میلادی) از دودمان مین بود . آنها با استفاده از سرویس های مخفی وسیعی قدرت را در دست گرفتند ، اعمال

و گفتار مردم را تحت نظارت قرار میدادند و تمام کسانی را که به مخالفت با آنها
بر میخواستند، تعقیب کرده و بقتل میرساندند.
۴ - منظور جان دین وین یکی از سران نظامی مرتجع گومیندان در سی ان بود.

بمناسبت انتشار مجله « کارگران چین »

(۷ فوریه ۱۹۴۰)

انتشار مجله « کارگران چین » (۱) ضروری است . طبقه کارگر چین تحت رهبری حزب سیاسی خود - حزب کمونیست چین ، طی بیست سال گذشته به مبارزات قهرمانانه‌ای دست زده و به آگاه‌ترین بخش تمام خلق و رهبر انقلاب چین تبدیل گردیده‌است . طبقه کارگر چین که دهقانان و همه خلق انقلابی را علیه امپریالیسم و فئودالیسم متحد ساخت ، بخاطر ایجاد چین دموکراتیک نوین و بیرون راندن امپریالیسم ژاپن مبارزه کرده‌است ؛ سهم وی در این مبارزات سهم فوق‌العاده عظیمی است . اما انقلاب چین هنوز به پیروزی نرسیده و هنوز کوششهای فراوانی لازم است برای اینکه خود طبقه کارگر وحدت یابد و با دهقانان و بخشهای دیگر خرده بورژوازی و روشنفکران و همه خلق انقلابی متحد گردد . این وظیفه سیاسی و سازمانی بسیار بزرگی است . مسئولیت انجام آن برعهده حزب کمونیست چین ، عناصر پیشرو طبقه کارگر و همه طبقه کارگر است . آزادی نهائی طبقه کارگر و تمام خلق تنها در دورانی که سوسیالیسم جامه عمل پوشد ، میتواند

بدست آید ، و طبقه کارگر چین باید برای نیل به این هدف نهائی مبارزه کند . اما پیش از آنکه ما بتوانیم بمرحله سوسیالیسم وارد شویم ، باید از مرحله انقلاب دموکراتیک ضد امپریالیستی و ضد فئودالی بگذریم . بنابر این وظیفه کنونی طبقه کارگر چین عبارتست از تحکیم وحدت در صفوف خود و اتحاد با خلق و مبارزه علیه امپریالیسم و فئودالیسم و مبارزه بخاطر ایجاد چین نوین - چین دموکراتیک نوین . مجله « کارگران چین » که اکنون انتشار مییابد ، درست این وظیفه را در مد نظر دارد .

مجله « کارگران چین » با زبانی ساده چون و چرای بسیاری از مسایل را برای توده‌های کارگر تشریح خواهد کرد ، واقعیات مبارزه طبقه کارگر را در مقاومت علیه ژاپن خواهد نگاشت ، تجارب حاصله را جمع‌بندی خواهد کرد و خواهد کوشید وظیفه خود را در اینراه انجام دهد .

مجله « کارگران چین » مکتبی خواهد بود برای آموزش کارگران و تربیت کادرها از میان آنان ، و خوانندگان مجله شاگردان این مکتب خواهند بود . لازم است کادرهای بسیاری از میان کارگران پرورش یابند ، کادرهایی مطلع و شایسته که آماده کار باشند و نه در جستجوی شهرت توخالی . بدون تعداد زیادی از این کادرها طبقه کارگر نمیتواند به آزادی نایل آید . طبقه کارگر باید از کمک روشنفکران انقلابی استقبال نماید و بهیچوجه نباید کمک آنها را رد کند ، زیرا که بدون کمک آنها طبقه کارگر نمیتواند به پیش رود و انقلاب نمیتواند به موفقیت انجامد .

من امیدوارم که مجله بخوبی چاپ خواهد شد و در آن مقدار زیادی مطالب زنده انتشار خواهد یافت ، از انتشار مقالات خشک و مبتذل ، مقالات غیر قابل فهم ، بیعزه و بیروح دقیقاً اجتناب خواهد شد .

مجله‌ای که انتشار خود را آغاز کرده ، باید بخوبی و با جدیت تمام

ادامه یابد . این مسئولیت هم برعهده کارکنان مجله و هم برعهده خوانندگان است . این نکته حایز اهمیت فراوان است که خوانندگان نظریات خود را ابراز کنند ، نامه ها و مقالات کوتاهی بنویسند حاکی از اینکه چه چیز آنها را خوشایند است و چه چیز مورد پسند آنها نیست . این یگانه راهی است که مجله را با موفقیت ترین میگرداند .

من با این چند کلمه آرزوی خود را بیان میدارم . باشد که این سخنان مدخلی برای مجله «کارگران چین» باشد .

یادداشتها

۱ - «کارگران چین» مجله ماهیانه‌ای بود که در فوریه ۱۹۴۰ در پکن آن تاسیس گردید و زیر نظر کمیسیون جنبش سندیکائی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین انتشار یافت .

باید بر وحدت و ترقی تکیه کرد

(۱۰ فوریه ۱۹۴۰)

جنگ مقاومت ، وحدت و ترقی سه اصل بزرگی است که حزب کمونیست در ۷ ژوئیه سال گذشته بمناسبت دومین سالگرد جنگ مقاومت به پیش کشید . این سه اصل مجموعه واحدی را تشکیل میدهد و از هیچیک از آنها نمیتوان صرفنظر کرد . چنانچه تکیه فقط بر روی جنگ مقاومت نه بر روی وحدت و ترقی گذاشته شود ، چنین "جنگ مقاومت" نه استوار خواهد بود نه پایدار . بدون برنامه‌ای برای وحدت و ترقی ، جنگ مقاومت دیر یا زود به تسلیم‌طلبی می‌گراید و یا به شکست میانجامد . ما کمونیست‌ها بر آنیم که این سه اصل باید مجموعه واحدی را تشکیل دهد . بخاطر جنگ مقاومت باید علیه تسلیم‌طلبی و علیه پیمان خائنانه وان جین وی ، علیه حکومت پوشالی وی و علیه تمام خائنین بملت و تسلیم‌طلبانی که خود را در جبهه ضد ژاپنی پنهان ساخته‌اند ، مبارزه کرد . بخاطر وحدت باید با فعالیتهای انشعابگرانه و "اصطکاکات" داخلی بمبارزه برخاست ، با خنجر زدن از پشت جبهه ضد ژاپنی به ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید و کلیه

متن حاضر مقاله‌ایست که رفیق مائو سه دون برای روزنامه « سین جون هوا بائو » بمناسبت نخستین سالگرد انتشار این روزنامه نگاشته است .

نیروهای مترقی دیگر بمقابله پرداخت ، با فعالیت تخریبی در پایگاه‌های ضد ژاپنی در پشت خطوط دشمن و با فعالیت تخریبی در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا که بمنزله پشت جبهه ارتش هشتم است ، بمبارزه برخاست ، با انکار مقام قانونی حزب کمونیست و سیل اسناد بخاطر "تحدید فعالیت احزاب بیگانه" مبارزه کرد . بخاطر ترقی باید با سیرقه‌قرائی و با اینکه سه اصل خلق و « برنامه جنگ مقاومت و ساختمان کشور » به پایگانی سپرده شوند ، پیکار نمود ، با امتناع از اجرای دستوری که در « وصایای دکتر سون یاتسن » آمده ، حاکی از "برانگیختن توده‌های مردم" بمبارزه برخاست ، با بازداشت جوانان مترقی در بازداشتگاهها ، علیه محو همان مختصر آزادی بیان و مطبوعات که در اوایل جنگ مقاومت وجود داشت ، علیه این توطئه که جنبش بخاطر رژیم مشروطه به امر خصوصی معدودی بوروکرات تبدیل گردد ، علیه حملات به ارتش جدید و تعقیب و آزار جمعیت فدائیان و کشتار مردمان مترقی در شان سی (۱) ، علیه فعالیت‌های انجمن جوانان سه اصل خلق دایر بر ربودن مردم در امتداد جاده سیان یان - یولین و خط راه آهن لون‌های (۲) ، علیه اعمال شرم‌آوری مانند داشتن نه زن غیررسمی و اندوختن صد میلیون یوان ثروت با استفاده از بحران کشور و علیه قلدری و ترکتازی مأمورین فاسد و مختلس و مستبدین محلی و متنفذین شریر بمبارزه برخاست . بدون مبارزه با آنها ، بدون وحدت و ترقی ، "جنگ مقاومت" جز سخنی توخالی و پیروزی مقاومت علیه ژاپن جز امیدی عبث نخواهد بود . روزنامه « سین جون هوا بائو » در سال دوم انتشار خود چه جهت سیاسی باید داشته باشد ؟ این روزنامه باید بر وحدت و ترقی تکیه کند و با هرگونه عمل ناصواب که بزیان جنگ مقاومت است ، بمبارزه برخیزد تا بتوان در امر مقاومت علیه ژاپن به پیروزیهای بیشتری دست یافت .

یادداشتها

۱ - " جمعیت فدائیان " نام مخفف " جمعیت فدائیان نجات کشور در استان شان سی " ، يك سازمان توده‌ای ضد ژاپنی محلی بود که از ۱۹۳۶ تا اوایل جنگ مقاومت ضد ژاپنی در استان شان سی موجود بود . در آنجا این جمعیت با همکاری نزدیک حزب کمونیست در جنگ مقاومت ضد ژاپنی نقش مهمی ایفا کرد . در دسامبر ۱۹۳۹ این سی شان در قسمت غربی این استان علناً به سرکوب این جمعیت پرداخت و تعداد زیادی از کمونیستها ، کادرهای جمعیت و عناصر مترقی از توده‌ها را وحشیانه بقتل رسانید .

۲ - از سال ۱۹۳۹ بعد گومیندان تحت عنوان " مهمانسراهای " انجمن جوانان سه اصل خلق که آلت دست آن بود ، به جاده سیان یان - یولین و خط راه آهن لون‌های عمال مخفی اعزام داشت که در آنجا در همکاری سپاهیان تعدادی نقاط کنترل ایجاد کرده و جوانان و روشنفکران مترقی‌ای را که به منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا وارد و یا از آن خارج میشدند ، توقیف نموده و آنها را به بازداشتگاهها می‌انداختند و بیرحمانه بقتل میرساندند و یا آنها را مجبور کردند که علیه حزب کمونیست به جاسوسی پردازند .

www.KetabFarsi.com

رژیم مشروطه دموکراسی نوین

(۲۰ فوریه ۱۹۴۰)

اینکه امروز نمایندگان کلیه محافل اهالی بن آن به جلسه تأسیس انجمن تسریع استقرار رژیم مشروطه آمده‌اند ، اینکه همگی چنین علاقه‌ای بر رژیم مشروطه نشان می‌دهند ، بسیار پرمعنی است . چرا این انجمن را تأسیس میکنیم ؟ برای اینکه بروز اراده خلاق ، پیروزی بر ژاپن و ایجاد چین نوین را آسان گرداند .

همه با جنگ مقاومت ضد ژاپنی موافق‌اند ، این کار هم اکنون صورت می‌گیرد و مسئله فقط بر سر ادامه سرسختانه آن است . اما آنچه دموکراتیزاسیون نامیده میشود هنوز بموقع عمل در نیامده‌است . این هر دو برای چین معاصر دارای اهمیت درجه اول است . البته چین هنوز خیلی چیزها کم دارد ، اما در درجه اول دو چیز کم دارد : استقلال و دموکراسی . تا آنگاه که یکی از این دو چیز کم است ، کار چین بجائی نخواهد رسید . ما

اثر حاضر سخنرانی رفیق مائو تسه دون در بن آن در جلسه انجمن تسریع استقرار رژیم مشروطه است . در آن زمان بسیاری از رفقای حزبی که در اثر تبلیغات دروغین چانکایشک در مورد " برقراری رژیم مشروطه " گمراه شده بودند می‌پنداشتند که واقعا گومیندان میتواند چنین رژیمی را برپا دارد . رفیق مائو تسه دون در سخنرانی

دو چیز مان کم است ولی دو چیزمان زائد است. آن دو چیز زائد کدام است؟ یکی ظلم و ستم امپریالیسم و دیگری ظلم و ستم فئودالیسم. بعینت همین دو چیز زائد است که چین بصورت کشوری مستعمره، نیمه مستعمره و نیمه فئودالی درآمده است. اینک خواسته‌های اساسی خلق سراسر کشور ما استقلال و دموکراسی است، و بنابر این باید امپریالیسم و فئودالیسم را درهم شکست. باید آنها را مصممانه، تا آخر و بیرحمانه درهم شکست. بعضی‌ها عقیده دارند که فقط باید ساخت و نباید درهم شکست. در آن صورت ما میپرسیم که آیا درهم شکستن وان جین وی لازم است یا نه؟ آیا درهم شکستن امپریالیسم ژاپن لازم است یا نه؟ آیا درهم شکستن نظام فئودالی لازم است یا نه؟ تا این نابهنجاری‌ها درهم شکسته نشوند، فکر هر ساختمان‌ی بیپهوده است. چین فقط آنگاه نجات خواهد یافت که ما همه اینها را درهم بشکنیم، و فقط آنگاه میتوان بساختمان پرداخت؛ هرگونه طرح دیگر این مسئله چیزی جز هذیان نخواهد بود. فقط پس از درهم شکستن چیز کهنه و پوسیده میتوان چیز نو و سالم ساخت. تملیق مبارزه در راه استقلال با دموکراتیزاسیون بان معنی است که با تجاوزکاران ژاپنی جنگ شود براساس دموکراتیزاسیون کشور، و یا بعبارت دیگر، کشور دموکراتیزه شود بسود جنگ مقاومت ضد ژاپنی. جنگ مقاومت ضد ژاپنی بدون دموکراسی فقط ممکن است بشکست بینجامد. بدون دموکراسی نمیتوان در جنگ

حاضر پرده از فریبکاری چانکایشک برگرفت، سلاح تبلیغات در راه استقرار رژیم مشروطه را از کف وی ربود و آنرا به افزار بیداری خلق مبدل ساخت تا آنکه خلق از چانکایشک خواستار آزادی و دموکراسی گردد. بالنتیجه چانکایشک ناچار شد بزودی از عوام فریبی خویش دست بردارد و در تمام مدت جنگ مقاومت ضد ژاپنی جرأت نکرد به تبلیغات درباره "رژیم مشروطه" پردازد.

مقاومت ضد ژاپنی پایداری کرد . با دموکراسی مسلماً ما پیروز خواهیم شد ، اگرچه برای مقاومت ۸ الی ۱۰ سال لازم باشد .

رژیم مشروطه چیست ؟ رژیم مشروطه رژیم دموکراتیک است . من با آنچه هم اکنون رفیق محترم ما او یوجان (۱) گفت موافقم . ولی امروز کدام رژیم دموکراتیک برای ما لازم است ؟ رژیم دموکراسی نوین ، رژیم مشروطه دموکراسی نوین . این رژیم رژیم دیکتاتوری بورژوازی از نوع اروپائی و آمریکائی که دموکراتیک نامیده میشود و کهنه شده و دورانش بسر رسیده است ، نیست ؛ در عین حال هنوز رژیم دموکراتیک نوع شوروی ، رژیم دیکتاتوری پرولتاریا نیز نیست .

دموکراسی طراز کهن که در کشورهای دیگر برقرار بود اینک دیگر پوسیده شده و بصورت چیزی ارتجاعی در آمده است . این چنین بنجل ارتجاعی بهیچوجه بدرد ما نمیخورد . رژیم مشروطه که سرسختان چین از آن سخن میگویند رژیم دموکراتیک بورژوائی طراز کهن است که در خارجه وجود دارد . معدک سرسختان وقتی که از تمایل خویش بچنین رژیمی دم میزنند در واقع بهیچوجه خواهان آن نیستند بلکه فقط از آن گفتگوها برای فریب خلق استفاده میکنند . در واقع آنها خواستار دیکتاتوری فاشیستی حزب واحداوند . اما بورژوازی ملی چین واقعاً خواستار همین رژیم مشروطه است و میخواهد در چین دیکتاتوری بورژوازی برقرار سازد ، ولی کارش قرین موفقیت نخواهد شد ، زیرا که خلق چین همگی چنین چیزی را نمیخواهد ، خلق چین قبول ندارد که بورژوازی دیکتاتوری انحصاری طبقه خود را برقرار گرداند . امور چین حتماً باید بدست اکثریت قاطع مردم چین تعیین شود و بهیچوجه جائز نیست که بورژوازی بتنهائی کلیه فرمانروائی کشور را قبضه کند . اما در مورد دموکراسی سوسیالیستی ، مطلب از چه قرار است ؟ بدیهی است که این رژیم

بسیار خوبی است و در آینده در سراسر جهان برقرار خواهد شد. اما این رژیم هنوز در چین کنونی صورت پذیر نیست، و از این جهت ما باید موقتاً از آن چشم پوشیم. دموکراسی سوسیالیستی را فقط در آینده، در موقعی که شرایط خاص آن فراهم آید میتوان عملی ساخت. آن رژیم دموکراتیک که اینک در چین لازم است دموکراسی طراز کهن نیست، و عجبالتاً دموکراسی سوسیالیستی هم نیست بلکه دموکراسی نوین است که با شرایط فعلی چین مطابقت دارد. رژیم مشروطه که ما در تدارك استقرار آنیم باید رژیم مشروطه دموکراسی نوین باشد.

رژیم مشروطه دموکراسی نوین چیست؟ رژیم مشروطه دموکراسی نوین دیکتاتوری مشترک طبقات انقلابی است بر ضد خائنان بملت و مرتجعان. در قدیم میگفتند: «اگر خوراک هست بگذار همه بخورند». بعقیده من با این کلمات میتوان دموکراسی نوین را مجسم ساخت. اگر درست است که همه باید غذا بخورند پس قدرت نباید بوسیله حزب واحد، گروه واحد و طبقه واحد قبضه شود. این مطلب را بهتر از هر کس سون یاتسن در «مانیفست نخستین کنگره ملی گومیندان» بیان کرده است: «در دوران ما باصطلاح سیستم دموکراتیک در کشورهای مختلف معمولاً در انحصار بورژوازی است، و صرفاً بافزایی برای اعمال مسم نسبت به مردم عادی مبدل گشته است. اما اصل دموکراسی گومیندان سیستم دموکراتیکی است که مردم عادی همه باید از آن سهم بگیرند، نه آنکه از آن عده اندکی باشد.» رفا، ما در بررسی رژیم مشروطه باید اسناد مختلف ولی بخصوص این مانیفست را با دقت مطالعه کنیم، باید کلماتی را که هم اکنون ذکر شد خوب بخاطر سپریم. «مردم عادی همه باید از آن سهم بگیرند، نه آنکه از آن عده اندکی باشد» — اینست مضمون مشخص رژیم مشروطه دموکراسی نوین که مورد گفتگوی ما است؛

اینست دیکتاتوری مشترک دموکراتیک طبقات انقلابی بر ضد خائنان بعثت و مرتجعان ؛ اینست رژیم مشروطه‌ای که امروز برای ما لازم است . چنین رژیم مشروطه‌ای در عین حال رژیم مشروطه جبهه متحد ضد ژاپنی است . انجمنی که ما امروز تأسیس میکنیم انجمن تسریع استقرار رژیم مشروطه نامیده میشود . چرا "تسریع" لازم است ؟ اگر همه به پیش میرانند "تسریع" هیچ لزومی ندارد . چرا ما بخود زحمت میدهیم و جلسه برپا میکنیم ؟ زیرا که اشخاصی هستند که کاری نمیکند ، ایستاده‌اند و نمیخواهند به پیش برانند . نه فقط به پیش نمیرانند بلکه عقب میروند . آنها را به پیشروی دعوت میکنید ولی حاضراند بمیرند و قدمی به پیش برندارند ، آنها سرسختان‌اند . آنها بقدری سرسخت‌اند که لازم آمد ما این جلسه را تشکیل دهیم تا پیشروی آنها را تسریع کنیم . این کلمه "تسریع" از کجا آمده‌است ؟ چه کسی برای نخستین بار آنرا بکار برده‌است ؟ ما نیستیم که آنرا برای نخستین بار بکار بردیم ، آنرا برای نخستین بار مرد بزرگی که مورد احترام همه ما است ، همان مردی که گفت : "چهل سال خودم را وقف امر انقلاب ملی نمودم ... " بکار برده‌است . این کلمه از دکتر سون یاتسن است . وصایای او را بخوانید ، مگر در آن نوشته نشده است : "در این اواخر من در دعوت مجلس ملی اصرار ورزیدم ... بسیار ضروری است که این امر تسریع شود تا در کوتاه‌ترین مدت بموقع اجرا در آید ، جدی‌ترین توصیه من همین است ؟ " رفتا ، این "توصیه" معمولی نیست ، بلکه "جدی‌ترین توصیه" است . "جدی‌ترین توصیه" بمعنای توصیه فوق‌العاده‌است ، چگونه میتوان مسامحه‌کارانه بآن نگریست و آنرا از دیده فرو گذاشت ! در وصایا گفته میشود : "در کوتاه‌ترین مدت" ، نه در درازترین مدت ، نه در مدتی نسبتاً دراز و حتی نه در مدتی کوتاه بلکه "در کوتاه‌ترین مدت" . پس

بهمین منظور که مجلس ملی در کوتاه‌ترین مدت دعوت شود ، "تسریع" لازم است. از سرگ دکتر سون یاتسن ۱۰ سال گذشته و مجلس ملی که وی در دعوت آن اصرار می‌ورزید تا کنون دعوت نشده‌است. هر روز جنجال بر سر "قیمومت سیاسی" ادامه مییابد و وقت بی‌بهره تلف میشود. کوتاه‌ترین مدت را به درازترین مدت بدل کرده‌اند و باز هم خود را پیوسته پیرو دکتر سون یاتسن مینامند. میتوان در نظر آورد که چگونه روح دکتر سون یاتسن در آسمانها پیروان نالایقی وی را لعنت میکند! اینک کاملاً روشن است، تا تسریع بعمل نیاید حرکت بجلو صورت نخواهد گرفت، هنوز بسیاری کسانیکه به قهقرا میروند، هنوز بسیاری کسانیکه نا آگاه‌اند، از این جهت لازم است که در حرکت بجلو "تسریع" شود.

از آنجا که حرکت بجلو صورت نمیگیرد، تسریع لازم است. از آنجا که حرکت بجلو بکنندی صورت میگیرد، نیز تسریع لازم است. از این جهت ما سازمان انجمن‌های تسریع استقرار رژیم مشروطه را وسیعاً گسترش داده‌ایم: هم در بین جوانان، هم در بین زنان، هم در بین کارگران، هم در مدارس، هم در ادارات و هم در واحدهای ارتشی. همه این سازمانها به فعالیت جوشانی مشغول‌اند و کار خود را با موفقیت به پیش می‌برند. اینک ما انجمن کل را تشکیل میدهیم، بدین ترتیب همه ما وارد عمل خواهیم شد تا رژیم مشروطه زودتر مستقر شود و وصایای دکتر سون یاتسن زودتر عملی گردد. بعضی‌ها میگویند که آن اشخاص مورد نظر شما در سایر مناطق بسر می‌برند و شما درین آن هستید، شما بکار تسریع خواهید پرداخت و آنها بکار شما توجه نخواهند کرد. پس چه سودی در این کار خواهد بود؟ سودی در این کار خواهد بود. زیرا که حوادث تکامل مییابد و آنها مجبور خواهند شد بما گوش فرا دارند. ما جلسات بیشتری تشکیل خواهیم داد، مقالات

بیشتری خواهیم نوشت ، کنفرانس‌های بیشتری ایراد خواهیم کرد ، تلگراف‌های بیشتری خواهیم فرستاد و آنها نمیتوانند بی‌توجه بمانند . بنظر من انجمن‌های متعدد ما درین ان دو وظیفه دارند : یکی مطالعه موضوع و دیگری ترغیب اشخاص به جلو رفتن . مطالعه از چه جهت لازم است ؟ از این جهت که در موقع ترغیب اشخاصی که بجلو نپیروند ، آنها ممکن است از ما سوال کنند که چرا مرا ترغیب میکنید ؟ در اینصورت ما مجبور خواهیم شد بآنها جواب بدهیم ، و برای جوابگویی بآنها باید کلیه دلایلی را که بسود رژیم مشروطه وجود دارد عمیقاً مطالعه کرده باشیم . رفیق محترم ، او یوجان هم اکنون در این باره بسیار صحبت کرد و دلایل بسیار آورد . مسایل مربوط به رژیم مشروطه‌ایکه با آن روبرو هستیم باید در همه جا - در مدارس ، در ادارات ، در واحدهای ارتشی ، در بین محافل مختلف اهالی ، مورد مطالعه قرار گیرد .

وقتی که ما این مسایل را مطالعه کرده‌ایم آسانتر به ترغیب دیگران نائل خواهیم آمد و ترغیب در حکم "تسریع" است . اگر همه جا به ترغیب پرداخته شود بتدریج همه جا جنبش آغاز خواهد شد . سپس این جویبارهای کوچک فراوان بیکدیگر خواهند پیوست و رود عظیمی را تشکیل خواهند داد که هر چیز پومیله ، هر چیز تیره و تار را پاک خواهد شست ، و آنگاه رژیم مشروطه دموکراسی نوین بظهور خواهد رسید . بنابراین از ترغیب ما سود بسیار بنست خواهد آمد . آنچه درین ان صورت میگیرد ممکن نیست در تمام چین تأثیر نبخشد .

رفقا ، آیا شما فکر میکنید که تا ما جلسه تشکیل دهیم و تلگراف بفرستیم سرسختان بهراس خواهند افتاد و بیدرنگ براه ترقی خواهند رفت و فرمان ما گوش فرا خواهند داد ؟ نه ، آنها باین آسانی منتقاد نخواهند شد .

بسیاری از سرسختان مکتب خاص سرسختی را گذرانده‌اند . آنها امروز سرسخت‌اند و فردا و حتی پس فردا هم سرسخت خواهند ماند . "سرسخت" کیست ؟ سرسخت کسی است که متعجب شده‌است ، گرفتار جمود است ، نه امروز و نه فردا و نه پس فردا قادر به پیشرفت نیست . این گونه اشخاص را سرسختان مینامند . واداشتن این گونه اشخاص باینکه بفرمان ما گوش فرا دارند کار آسانی نیست .

در سایر کشورهای جهان خواه در انگلستان ، فرانسه ، آمریکا و خواه در اتحاد شوروی ، رژیم‌های مشروطه اینطور بوجود آمد : انقلاب پیروز شد ، دموکراسی بصورت واقعیت درآمد ، و فقط آنگاه قانون اساسی اعلام گردید و واقعیت مذکور بوسیله آن تثبیت شد . در چین وضع دیگری است . هنوز انقلاب در چین به موفقیت نیانجامید و در هیچ جای کشور ، بااستثنای منطقه مرزی ما و یک سلسله از نقاط نظیر آن ، هنوز رژیم دموکراتیک بصورت واقعیت در نیامده‌است . واقعیت کنونی چین عبارتست از نظام نیمه مستعمراتی و نیمه فئودالی ، از اینجهت حتی اگر قانون اساسی خوبی هم اعلام شود ناگزیر با مقاومت نیروهای فئودالی روبرو خواهد شد و به واکنش سرسختان برخواهد خورد . نمیتوان تصور کرد که اجرای آن بدون مانع صورت گیرد . از اینجهت جنبش کنونی در راه رژیم مشروطه عبارت است از مبارزه بخاطر دموکراسی که بدست نیامده‌است نه بخاطر تثبیت دموکراسی که قبلاً عملی شده‌است . این مبارزه عظیمی است ، و بهیچوجه کار آسانی نیست که محتاج صرف قوا نباشد .

اینک برخی از مخالفان دیرین رژیم مشروطه (۲) نیز از آن سخن میگویند . چرا ؟ زیرا که آنها در اثر فشار خلق که با تجاوزکاران ژاپنی در نبرد است در بن بست افتاده‌اند و لازم میبینند که برای ظاهرسازی قدمی بردارند .

آنها حتی با تمام قوا فریاد میزنند که "ما همواره بر سر رژیم مشروطه اصرار ورزیده‌ایم !" و جنجال غریبی برپا ساخته‌اند . اکنون سالهاست که ما اصطلاح "رژیم مشروطه" را می‌شنویم ولی تا امروز اثری از آن ندیده‌ایم . گفتار آنها از کردارشان بکلی جداست ، این بمعنای دوروئی در امر رژیم مشروطه است . "اصرار همواره" آنها مظهري از این دوروئی است . سرسختان کنونی چنین دورویانی هستند . جنجالی که در پیرامون رژیم مشروطه براه انداخته‌اند چیز دیگری جز عوام فریبی نیست . ممکن است که شما در آینده نزدیک شاهد پیدایش "قانون اساسی" و سپس ظهور "رئیس جمهور" باشید . اما دموکراسی و آزادی چه خواهد شد ؟ معلوم نیست کی آنها را بشما خواهند داد . چین قبلاً قانون اساسی داشته است ، مگر تسائو کون قانون اساسی اعلام نکرده‌است (۳) ؟ ولی کجا بود دموکراسی و آزادی ؟ در مورد رئیس جمهور هم باید گفت که تعدادش زیاد بود ، نخستین رئیس جمهور ، سون یاتسن ، رئیس جمهور خوبی بود ، منتها یوان شی کای او را برکنار ساخت و خودش رئیس جمهور دوم شد ، رئیس جمهور سوم لی یوان هون بود (۴) ، چهارمی فون گوه جان (۵) و پنجمی سیو شی چان (۶) . میتوان گفت که تعدادشان کم نبوده‌است . ولی فرقتشان با امپراطوران مستبد چه بود ؟ هم قوانین اساسی و هم رؤسای جمهور فریبی بیش نبودند . در عصر معاصر در کشورهایی نظیر انگلستان ، فرانسه و آمریکا ، آنچه رژیم مشروطه ، رژیم دموکراتیک نامیده میشود رژیم آدمخواران است . چنین وضعی را در آمریکای مرکزی و جنوبی نیز میتوان مشاهده کرد ، در آنجا بسیارند دولت‌هایی که علم جمهوری را بلند کرده‌اند ولی در پشت سر آن در واقع ذره‌ای دموکراسی وجود ندارد . اینطور است وضع سرسختان کنونی در چین . صحبت آنها از رژیم مشروطه چیز دیگری جز "جوفروشی و گندم نمائی" نیست . آنها از رژیم مشروطه

سخن میگویند و دیکتاتوری حزب واحد را بخورد مردم میدهند. اتهام من بر آنها اتهام بی پایه ای نیست؛ من دلایلی دارم که آنها در عین حال که از رژیم مشروطه دم میزنند کمترین آزادی را بر خلق روا نمیدارند.

رفقا، رژیم مشروطه واقعی هرگز آسان بدست نمیآید، و فقط در طی مبارزه سخت بدست میآید. از این جهت بهیچوجه نباید چنین پندارید که کافی است ما جلسه تشکیل دهیم، تلگراف بزنیم، مقاله بنویسیم تا رژیم مشروطه فرا رسد. همچنین بهیچوجه نباید پندارید که کافی است شورای سیاسی ملی (۷) تصمیم بگیرد، دولت ملی فرمان صادر کند، مجلس ملی (۸) در ۱۲ نوامبر تشکیل شود، قانون اساسی بتصویب برسد و حتی رئیس جمهور انتخاب شود تا نیکبختی بر همه جا دامن بگسترده و همه جا بهشت آئین گردد. نه، چنین نخواهد شد، نباید خود را سرگیج کنید. باید این وضع را بخوبی بر مردمان ساده نیز روشن ساخت تا گمراه نشوند. کار بهیچوجه چنین ساده نیست.

ولی آیا این بان معنی است که از این کار در گذریم و آنرا چنان دشوار بدانیم که امیدی به استقرار رژیم مشروطه نداشته باشیم؟ نه، این نیز نادرست است. هنوز به استقرار رژیم مشروطه امید هست، امیدی کاملاً واقعی. بدون تردید چین کشور دموکراسی نوینی خواهد شد. چرا؟ زیرا که دشواریهای استقرار رژیم مشروطه در اثر فتنه گری سرسختان بوجود میآید؛ ولی سرسختان نمیتوانند تا جاودان سرسخت بمانند. اینست که چرا ما بسیار امیدوار هستیم. اگرچه امروز نیز همه سرسختان جهان همچنان سرسختاند و فردا و پس فردا هم سرسخت باقی خواهند ماند، ولی آنها نمیتوانند تا جاودان چنین بمانند؛ بالاخره باید تغییر پذیرند. مثلاً وان جین وی مدت مدیدی در شمار سرسختان بود ولی آنگاه که سرسخت

ماندن در اردوی هواداران مقاومت علیه ژاپن غیر ممکن گردید ، راه دیگری برای وی نماند جز اینکه یکراست به آغوش ژاپنی ها بگریزد . مثال دیگر : جان گوه تائو نیز مدت مدیدی در شمار سرسختان بود ، ولی آنگاه که ما جلساتی بمنظور مبارزه علیه او تشکیل دادیم و او را خوب حلاجی کردیم او نیز گریخت . در واقع سرسختان عنوداند ولی تا آخر سرسخت نیستند . آنها تا مدت معینی عناد میورزند و سپس تغییر میپذیرند ، به پلیدی هائی مبدل میگردند که انسان را شمشز میسازد . اتفاق هم میافتد که سرسختان تبدیل به احسن میشوند . این نیز نتیجه مبارزه با آنهاست . پس از آنکه با آنها مبارزه جدی و مکرر بعمل آمد اشباه خویش را میپذیرند و به بهتر شدن میگیرند . خلاصه آنکه سرسختان تغییر میکنند . سرسختان پیوسته نقشه میریزند که سود خویش را بزبان دیگران تأمین کنند و یا حيله دورویانه ای بکار برند . اما تاکنون پیوسته نتیجه حسابشان معکوس در آمده است . آنها شروع میکنند به زیان رساندن بدیگران و بالاخره بخودشان زیان میرسانند . ما در موقع خود خاطر نشان ساختیم که چمبرلن "سنگی برداشته است که عاقبت روی پای خودش خواهد افتاد" . همینطور هم شد . چمبرلن همیشه در این فکر بود که از هیتر استفاده کند و او را مثل سنگ بیای خلق شوروی بزند ، ولی آن روزی که در سپتامبر سال گذشته جنگ میان آلمان از یک طرف و انگلیس و فرانسه از طرف دیگر در گرفت ، این سنگ از دست چمبرلن روی پای خودش افتاد و هنوز او را رنج میدهد . این گونه مثال ها در چین نیز فراوان است . یوان شی کای در صدد برآمد سنگ ب مردم بزند ، عاقبت به خودش زد ، و چند ماهی بر تخت امپراطوری نشست و سپس مرد (۹) . دوان چی ژوی ، سیوشی چان ، تسائو کون ، او پی فو و دیگران نیز خواهان سرکوب خلق بودند ولی سرانجام بدست خلق سرنگون شدند . هر کسیکه بخواهد از

زیان رساندن بدیگران بهره بردارد ، بیگمان عاقبت خوشی نخواهد داشت .
 من برآنم که سرسختان ضد کمونیست کنونی نیز اگر براه ترقی نیایند
 از این قاعده مستثنا نخواهند بود . آنها میخواهند با علم کردن کلمه زیبائی
 ”توحید“ ، منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا را که مترقی است ،
 ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید را که مترقی اند ، حزب کمونیست را که
 مترقی است ، و سازمان های توده ای را که مترقی است ، براندازند . همه این
 نقشه ها اکنون طرح شده است . اما بعقیده من بالاخره این سرسختان نیستند که
 ترقی را برمیاندازند بلکه این ترقی است که سرسختان را برمیاندازد . اگر سرسختان
 نمیخواهند برانداخته شوند يك راه بیشتر در برابر شان نیست و آن اینست که
 خودشان رهسپار ترقی گردند . از این جهت ما پیوسته به سرسختان اندرز
 میدهیم که بر ارتش هشتم ، بر حزب کمونیست و بر منطقه مرزی حمله ور
 نشوند . و معدك هرگه لجوجانه میخواهند باین کار پردازند ، پس قبلاً باید
 قطعنامه ای تنظیم کنند که ماده اولش چنین باشد : ”ما سرسختان که
 مصممیم خویش تن را از بین ببریم و به حزب کمونیست امکان دهیم تا
 نیروهای خود را رشد بسیار بخشند ، وظیفه خود میدانیم که بر حزب کمونیست
 و بر منطقه مرزی حمله ور گردیم“ . تجربه سرسختان در ”سرکوب کمونیست ها“
 بسیار غنی است و اگر اینك مایل اند که دوباره به ”سرکوب کمونیست ها“
 دست بزنند ، مختاراند . شکم آنها پراست و از خواب خوش برخاسته اند و
 اینك میخواهند به ”سرکوب“ برخیزند ، این بسته به میل آنهاست . اما در
 این صورت باید برای اجرای قطعنامه خویش آماده باشند ، راه گریزی نیست .
 در سابق ، در عرض ده سال ، کلیه کارزارهای ”سرکوب کمونیست ها“ بر
 طبق این قطعنامه صورت گرفته است . از این بعد نیز اگر کسی مجدداً هوس
 این ”سرکوب“ را داشته باشد ، باید مجدداً بر طبق قطعنامه مذکور عمل

کند. از اینجهت من میخواهم بآنها اندرز بدهم که بهتر است از چنین "سرکوب" دست بردارند. زیرا قاطبه خلق خواستار جنگ مقاومت در برابر ژاپن است، خواستار وحدت و ترقی است نه خواستار "سرکوب کمونیست‌ها". از اینجهت هرکس به "سرکوب کمونیست‌ها" دست یازد محکوم به شکست است.

کوتاه سخن آنکه هر حرکت قهرقرائی مسلماً به نتایجی عکس آنچه الهام گرائش پنداشته‌اند منتهی خواهد شد. نه در گذشته، نه در زمان حال، نه در نزد ما و نه در خارجه، استثنائی در این مورد وجود نداشته و نخواهد داشت.

این درباره رژیم مشروطه مورد نظر ما نیز صدق میکند. اگر سرسختان به مبارزه بر ضد استقرار رژیم مشروطه ادامه دهند، مسلماً نتایجی عکس آرزوهای خود بدست خواهند آورد. هرگز جنبش در راه رژیم مشروطه پراهی که سرسختان ترسیم میکنند نخواهد رفت، مسلماً در جهت خلاف آرزوی آنها، در جهتی که خلق نشان میدهد سیر خواهد کرد. بدون شك چنین خواهد بود زیرا که قاطبه خلق چنین میخواهد، زیرا که تکامل تاریخی چین چنین اقتضا دارد، زیرا که گرایش عمومی حوادث جهان از ما چنین میطلبد. کیست که بتواند از حرکت در این راه جلوگیرد؟ گردونه تاریخ به عقب بر نمیگردد. ولی برای انجام این کار زمان لازم است - یکی دو روزه نمیتوان موفق شد؛ کوشش لازم است - با تن‌آسایی کاری از پیش نمی‌رود؛ بسیج توده‌های وسیع خلق لازم است - تک و تنها بجائی نمیتوان رسید. بسیار خوب است که ما امروز در اینجا گرد آمدیم. پس از این جلسه نیز باید بازهم مقاله نوشت و تلگراف فرستاد، باید از همین نوع جلسات در مناطق کوهستانی او تای، قای هان، چین شمالی، چین مرکزی و در سراسر کشور

نیز تشکیل داد. اگر ما در این جهت بفعالیت پردازیم، پس از چند سال کوشش، دور از هدف نخواهیم بود. ما حتماً باید از عهده این کار برائیم، حتماً باید به دموکراسی و آزادی نائل شویم، حتماً باید رژیم مشروطه دموکراسی نوین را برقرار سازیم. اگر در این جهت بفعالیت پردازیم، اگر آنطور که دلخواه سرسختان است کار کنیم، چین باسارت در خواهد آمد، برای اجتناب از اسارت میهن لازم است که درست در همین جهت کار شود. و بدین منظور ضروری است که اشتراك مساعی بعمل آید. در این صورت امکان موفقیت امر ما بسیار خواهد بود. بعلاوه باید این نکته را بخوبی دریافت که بالاخره سرسختان، اقلیت‌اند و اکثریت قاطع، در شمار سرسختان نیست و میتواند در راه ترقی گام گذارد. اگر ما اکثریت را در برابر اقلیت بگذاریم و کوشش هم بکار بریم، امکان موفقیت باز هم بیشتر خواهد شد. از اینجهت است که من میگویم در این کار باوجود دشواری‌ها امید موفقیت بسیار است.

یادداشتها

- ۱ - رفیق او یو چان در آنزمان صدر انجمن تسریع استقرار رژیم مشروطه درین ان بود.
- ۲ - اشاره است به دارودسته مرتجع گومیندان که چانکایشک در رأس آن قرار داشت.
- ۳ - دیکتاتور نظامی شمال بنام تسائو کون در ۱۹۲۳ آرای ۵۹۰ تن از نمایندگان مجلس را با پرداخت پول از قرار نفری ۵ هزار یوان نقره خریداری کرد و بعنوان "رئیس جمهور" چین انتخاب شد. سپس قانون اساسی که ساخته و پرداخته نمایندگان خود فروخته بود بتصویب رسید و بنام "قانون اساسی تسائو کون" و یا "قانون اساسی نمایندگان

خود فروخته " معروف گردید .

۴ - لی یوان هون ابتدا فرمانده تیپ مختلط بیست و یکم ارتش جدید سلسله تسین بود . در ۱۹۱۱ هنگام قیام اوچان در اثر مقتضیات اوضاع مجبور شد بانقلاب پیوندد و بفرماندهی واحدهای نظامی انقلابی در استان حوبه رسید . در دوران سلطه دیکتاتورهای نظامی شمال معاون رئیس جمهور و سپس رئیس جمهور چین بود .

۵ - فون گوه جان یکی از دست‌نشانندگان یوان شی کای بود و پس از مرگ یوان شی کای رئیس دارودسته جی لی (سه به) دیکتاتورهای نظامی شمال گردید . او در ۱۹۱۷ لی یوان هون را برکنار ساخت و خود رئیس جمهور دولت پکن شد .

۶ - سیو شی چان سیاست‌بازی از دارودسته دیکتاتورهای نظامی شمال بود . در ۱۹۱۸ مجلس که افزاری مطیع دوان چی ژوی بود سیو شی چان را بریاست جمهور انتخاب کرد .

۷ - " شورای سیاسی ملی " ارگانی بود که دولت گومیندان پس از آغاز جنگ مقاومت ضد ژاپنی مجبور شد آنرا بوجود آورد و فقط جنبه مشورتی برای آن قائل شد . همه اعضای شورای سیاسی ملی بوسیله دولت گومیندان بعصویت شورا " دعوت میشدند " . نمایندگان احزاب و گروههای ضد ژاپنی نیز اسماً در شورا عضویت داشتند ولی اکثریت قاطع در شورا با اعضای گومیندان بود . شورای سیاسی ملی بهیچوجه حق نداشت در رهنمودها و تدابیر سیاسی دولت گومیندان دخل و تصرف کند . هر قدر گومیندان چانکایشک مرتجع‌تر شد ، تعداد نمایندگان دارودسته ارتجاعی گومیندان و سایر مرتجعان در شورای سیاسی ملی افزایش یافت و تعداد دموکرات‌ها روبه کاهش رفت ، در عین حال آزادی کلام برای دموکرات‌ها پیوسته محدودتر شد و بالنتیجه شورای مذکور روزبروز بیشتر بصورت بازیچه تمام عیار دارودسته ارتجاعی گومیندان درآمد .

اعضاء حزب کمونیست چین که در شورای سیاسی ملی شرکت داشتند پس از حادثه ان هوی جنوبی در ۱۹۴۱ چندین بار بعنوان اعتراض بر تدابیر ارتجاعی گومیندان از شرکت در جلسات شورا خودداری ورزیدند .

۸ - در سپتامبر ۱۹۳۹ چهارمین جلسه شورای سیاسی ملی در اثر پیشنهاد نمایندگان حزب کمونیست چین و شخصیت‌های دموکرات سایر احزاب و گروهها تصمیم گرفت از دولت گومیندان بخواهد که موعدی برای دعوت مجلس ملی جهت استقرار رژیم مشروطه بروشنی معین شود . در نوامبر همان سال پلنوم ششم کمیته اجرایی مرکزی گومیندان اعلام داشت که مجلس ملی در ۱۲ نوامبر ۱۹۴۰ دعوت خواهد شد . گومیندان

از این امر برای گسترش تبلیغات دروغین خویش استفاده کرد . ولی تصمیم مذکور هرگز بموقع اجرا درنیامد .

۹ - در ۱۲ دسامبر ۱۹۱۵ یوان شی کای خود را امپراطور خواند ، ولی در ۲۲ مارس ۱۹۱۶ مجبور شد این عنوان را بردارد .

درباره مسئله قدرت سیاسی در مناطق پایگاهی ضد ژاپنی

(۶ مارس ۱۹۴۰)

۱ - در حال حاضر سرسختان ضد کمونیست گومیندان با تمام قوا از برقراری قدرت سیاسی دموکراتیک ضد ژاپنی در شمال و مرکز چین و نقاط دیگر جلو میگیرند ، در حالیکه ما بنوبه خود باید چنین قدرتی را ایجاد کنیم و هم اکنون در مناطق پایگاهی عمده ضد ژاپنی این امکان برای ما هست که به چنین اقدامی دست زنیم . در شمال ، مرکز و شمال غربی چین ، مبارزه ما بر سر این مسئله با سرسختان ضد کمونیست میتواند به برقراری قدرت سیاسی جبهه متحد در سراسر کشور کمک کند و قاطبه ملت با دقت تمام نگران این مبارزه است . بدین جهت در این مسئله باید هوشیارانه عمل کرد .

۲ - آن قدرت سیاسی که ما در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی برقرار میکنیم از لحاظ خصلت خود همان قدرت سیاسی جبهه متحد ملی است . این قدرت قدرت سیاسی تمام کسانی است که هم از مقاومت علیه ژاپن و

متن حاضر رهنمودی برای حزب است که رفیق مائو سه دون از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین نگاشته است .

هم از دموکراسی هواداری میکنند ، دیکتاتوری مشترک دموکراتیک طبقات انقلابی است علیه خائنین بملت و مرتجعین . این دیکتاتوری با دیکتاتوری ضد انقلابی طبقه مالکان ارضی و بورژوازی و همچنین با دیکتاتوری دموکراتیک کارگر و دهقان در دوران انقلاب ارضی متفاوت است . داشتن درک روشنی از خصلت این قدرت سیاسی و بکار بردن کوششهای آگاهانه برای تحقق آن ، به دموکراتیزاسیون در سراسر کشور کمک فراوان خواهد کرد . هرگونه انحراف به "چپ" یا براست تأثیر فوق العاده زیان بخش بر خلق سراسر کشور خواهد گذاشت .

۳ - دعوت مجلس شورای ایالتی حه به و انتخابات کمیته اداری حه به که تدارکات آن از هم اکنون آغاز گردیده دارای اهمیت فوق العاده است . برقراری قدرت سیاسی جدید در شمال غربی شان سی ، در شان دون ، در مناطق شمالی رودخانه هوای ، در شهرستانهای سوی ده و فوسیان ، و در شرق گان سو نیز دارای چنین اهمیتی است . ما باید بر طبق اصل جبهه متحد عمل کنیم و با تمام قوا از هرگونه انحراف به "چپ" یا براست اجتناب ورزیم . در حال حاضر انحراف به "چپ" که جلب بورژوازی متوسط و متنفذین روشن بین را از نظر فرو میگذارد خطری بسیار جدی است .

۴ - بر طبق اصل جبهه متحد ملی ضد ژاپنی در ارگانهای قدرت سیاسی ، باید تناسب عددی زیر برقرار باشد : يك سوم جاها برای کمونیستها ، يك سوم جاها برای غیر حزبی های مترقی چپ و يك سوم دیگر برای قشرهای بینابینی که نه بچپ متمایل اند و نه براست .

۵ - باید تضمین کرد که مقام رهبری در ارگانهای قدرت سیاسی در دست کمونیستها باشد و بنابر این آن اعضای حزب که يك سوم از جاها را اشغال میکنند باید دارای کیفیت عالی باشند . وجود این شرط

کافی است برای آنکه رهبری حزب تأمین شود ، بدون آنکه به تعداد بیشتری جا نیاز باشد . رهبری نه شعاری است که درباره آن باید از پام تا شام سر و صدا براه انداخت و نه توقع متفرعانه اطاعت از ماست ؛ رهبری بیشتر در این است که با استفاده از سیاست‌های صحیح حزب و از کار نمونه‌وار خود مردم غیر حزبی را متقاعد سازیم و پرورش دهیم بقسمی که آنها داوطلبانه پیشنهادات ما را بپذیرند .

۶ - يك سوم جاها باید به ترقی‌خواهان غیر حزبی اختصاص داده شود زیرا که آنها با توده‌های وسیع خرده بورژوازی در ارتباطند . این کار برای جلب خرده بورژوازی تأثیر فوق‌العاده‌ای خواهد داشت .

۷ - هدف ما از اختصاص يك سوم از جاها به قشرهای بینابینی همانا جلب بورژوازی متوسط و متنفذین روشن‌بین است . جلب این قشرها برای منفرد ساختن سرسختان گام مهمی است . در حال حاضر ما بهیچوجه نباید نیروی این قشرها را از نظر فرو گذاریم ، بلکه باید نسبت بآنها با احتیاط برخورد کنیم .

۸ - در مورد غیر کمونیست‌ها ، خواه عضو حزبی باشند یا نباشند و صرف نظر از حزبی که بدان وابسته‌اند ، مادامیکه از جنگ مقاومت علیه ژاپن جانبداری میکنند و خواستار همکاری با حزب کمونیست میباشند ، روش ما در قبال آنها باید روش همکاری باشد .

۹ - اصل توزیع جاها در ارگانهای قدرت سیاسی بطوریکه در فوق تشریح شد ، مبین سیاست واقعی حزب است و ما بهیچوجه نباید سرسری آنها بعوق اجرا درآوریم . برای اجرای این سیاست باید آن اعضای حزب را که در ارگانهای قدرت سیاسی کار میکنند تربیت کرد تا آنها بر کوتاه‌بینی خود که بصورت خودداری و پرهیز از همکاری با غیر کمونیست‌ها تظاهر

میکنند غلبه نمایند و شیوه دموکراتیک کار را تشویق کنند که عبارت است از مشورت با مردم غیر حزبی و جلب موافقت اکثریت پیش از اقدام به عمل . در عین حال باید با تمام قوا مردم غیر حزبی را ترغیب نمود که نظرات خود را در مسایل مختلف ابراز دارند . باید دقیقاً به توصیه‌های آنها گوش‌فرا داشت . هرگز نباید تصور کرد که چون ارتش و قدرت سیاسی در دست ماست ، ما میتوانیم تصمیمات خود را بی قید و شرط بقبولانیم و بدین ترتیب از این کوشش باز ایستیم که مردم غیر حزبی را به نظریات خود جلب کنیم تا آنها با رغبت و از دل و جان این نظریات را به مرحله اجرا درآورند .

۱۰ - ارقام فوق مربوط به توزیع جاها در ارگانهای قدرت سیاسی یک نسبت تقریبی است که باید آنها در هر محل برحسب شرایط خاص آن بکار برد ، نباید بطور مکانیکی آنها مراعات کرد . در پائین‌ترین ارگانها این نسبت میتواند اندکی تغییر کند تا از ورود مالکان ارضی و مستبدین محلی و متنفذین شریر به ارگانهای قدرت جلوگیری شود . در نقاطی که این ارگانها مدتهاست ایجاد گشته‌اند مانند منطقه مرزی شان سی - چاهار - حه به ، منطقه مرکزی حه به ، منطقه کوهستانی تاي هان و منطقه جنوبی حه به باید سیاست خود را در پرتو این اصل از نو مورد بررسی قرار داد . این اصل را هر بار که ارگان جدید قدرت سیاسی برقرار میگردد باید مراعات نمود .

۱۱ - سیاست جبهه متحد ضد ژاپنی در مورد انتخابات باید عبارت از آن باشد که به هر فرد چینی که به سن هجده رسیده و هوادار جنگ مقاومت ضد ژاپنی و دموکراسی است ، صرف نظر از تعلق طبقاتی ، ملیت ، مرد و زن ، معتقدات ، تعلق حزبی و سطح فرهنگ او ، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن داده شود . ارگانهای قدرت سیاسی جبهه متحد ضد ژاپنی